



Investigating the effect of time component on residents' sense of belonging from two perspectives of age and duration of residence; Case study of Zanjan neighborhoods

Narges Karimi 1 | Farah Habib 2✉ | Iraj Eatesam 3

- 1. PhD Student in Urban Planning, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran . E-mail: karimin84@gmail.com
2. Corresponding author, Assistant Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, E-mail: Frh_habib@srbiau.ac.ir
3. Assistant Professor, Urban Planning Department, Faculty of Art and Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Table with 2 columns: Article Info and ABSTRACT. Article Info includes Article type (Research Article), Article history (Received, Revised, Accepted, Published, Published online dates), and Keywords (sense of belonging to the place, length of stay, age of the environment, neighborhoods of Zanjan). ABSTRACT contains the full text of the study.

Cite this article: Karimi, Narges., Habib, Farah., & Eatesam, Iraj. (2025). Investigating the effect of time component on residents' sense of belonging from two perspectives of age and duration of residence; Case study of Zanjan neighborhoods. Journal of Applied Researches in Geographical Sciences, 25 (77), 484-505. DOI: http://dx.doi.org/10.61186/jgs.25.77.5



© The Author(s). Publisher: Kharazmi University

DOI: http://dx.doi.org/10.61186/jgs.25.77.5



Extended Abstract

Introduction

The persistence of uninspiring, monotonous, low-quality, inhuman, and meaningless urban spaces is a defining characteristic of contemporary cities. Currently, inappropriate urban development and the erosion of sense of place and attachment have significantly altered individuals' feelings and perceptions of their environments. In many instances, modifications to the physical environment, land use, and activities have resulted in a loss of values and meaning. The consequences of these developments include the creation of artificial and dehumanized environments, a diminished sense of place, reduced social cohesion and participation, and a decrease in residents' motivation to remain in these areas. Consequently, there is an urgent need to focus on enhancing the sense of place. Accordingly, this research seeks to analyze the factors influencing the sense of place and to address the following questions: What is the relationship between the sense of place and the temporal component? Is there a correlation between the duration of residents' stay in a location and their sense of belonging? Finally, what impact does the age of neighborhoods exert on the sense of place?

Material and Methods

This research is applied in nature with respect to its objectives and employs a survey methodology. Theoretical information was obtained through document and library research, while empirical data pertinent to the study area were gathered by administering and completing questionnaires composed of closed-ended questions and a Likert scale. To examine the effects of neighborhood age and length of residence on residents' sense of belonging, six neighborhoods in Zanjan were selected for this investigation. These neighborhoods—Sabze Meydan, Saadi, Kooche Meshki, Ansarieh, Karmandan, and Golshahr—exhibit varying ages and are situated in the historical, mid, and new sections of Zanjan. The statistical population for this study consisted of individuals aged 18 and over residing in the selected neighborhoods, amounting to a total population of 18,432. The sample size was calculated using Cochran's formula in conjunction with the number of residents in each neighborhood. A total of 300 questionnaires were prepared for distribution among these six neighborhoods, specifically allocating 50 questionnaires each for Sabze Meydan, Saadi, Kooche Meshki, Ansarieh, Karmandan, and Golshahr.

Results and Discussion

A sense of belonging to an environment is defined as the emotional connection that develops between individuals and their surroundings. Research has established the critical importance of this connection in promoting a positive physical environment and encouraging favorable social behaviors. Therefore, it is essential to comprehend the factors that influence this sense of belonging and to identify strategies for its enhancement in order to improve living conditions and the physical environment.



Kharazmi University

Journal of Applied Researches in Geographical Sciences

Print ISSN: 2228-7736

Online ISSN: 2588-5138

<https://jgs.khu.ac.ir/>



This study examines the impact of two temporal factors—duration of residence and the age of the environment—on residents' sense of belonging. The objective is to compare the relative significance of these factors in relation to this important aspect of human-environment interaction. The study employs an applied research approach and utilizes a descriptive-analytical methodology. Data collection was conducted through both literature review and fieldwork, with questionnaires serving as the primary data collection instrument. The study population consisted of residents from six selected neighborhoods in Zanjan, and a sample size of 300 participants was determined using Cochran's formula. Data analysis was performed using SPSS software.

Conclusion

The findings indicate that the overall sense of belonging among residents in the studied areas was moderate to low. Both the duration of residence and the age of the environment were found to exert a positive and statistically significant influence on the sense of spatial belonging and its constituent components. However, the age of the environment demonstrated a more substantial impact on the sense of spatial belonging in comparison to the length of stay. Notably, the age of the environment accounted for 27.1% of the variance in spatial belonging. These two sections provide a succinct and informative overview of the research, encompassing the background, methodology, key findings, and conclusions.

بررسی تأثیر مؤلفه زمان بر حس تعلق ساکنین از دو منظر قدمت محیط و طول مدت سکونت؛ مورد پژوهی محلات شهر زنجان

نرگس کریمی^۱، فرح حبیب^۲، ایرج اعتصام^۳

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: karimin84@gmail.com
۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Frh_habib@srbiau.ac.ir
۳. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	حس تعلق نسبت به یک محیط پیوندی عاطفی و احساسی است که میان افراد و محیط بیرونی صورت می‌گیرد. مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که وجود این پیوند و عمیق‌تر شدن آن میان شخص و محیط، نقش بسزایی در ارتقای محیط کالبدی و بروز رفتارهای اجتماعی مثبت دارد. لذا شناخت حس تعلق و عوامل مؤثر بر آن و راه‌های ارتقای آن یکی از موضوعاتی است که می‌تواند به ارتقای شرایط زیستی و محیط کالبدی منجر شود. از میان عوامل متعددی که بر حس تعلق افراد مؤثر است، عامل زمان به‌عنوان یکی از این عوامل مؤثر از دو منظر می‌تواند مؤثر باشد؛ طول مدت سکونت و قدمت محیط. در این مطالعه ضمن تحقیق بر نحوه اثر هر کدام از این عوامل بر حس تعلق ساکنین، مقایسه‌ای میان این دو عامل و شدت اثر هر یک بر حس تعلق انجام شده است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است. به‌منظور جمع‌آوری داده و اطلاعات موردنیاز از روش کتابخانه‌ای و میدانی و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش را شهروندان ساکن در محلات شش‌گانه مورد مطالعه در شهر زنجان تشکیل می‌دهند، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۰۰ نفر برآورد شد. در راستای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج نشان داد که حس تعلق در محلات مورد مطالعه، متوسط به پایین است. همچنین نتایج نشان داد که طول مدت اقامت و قدمت محیط بر حس تعلق مکانی و مؤلفه‌های آن تأثیر مثبت و معناداری دارد. از بین متغیرهای مورد نظر میزان تأثیر متغیر قدمت محیط بر حس تعلق مکانی بیشتر از طول مدت اقامت می‌باشد به‌گونه‌ای که قدمت محیط ۲۷/۱ درصد از واریانس متغیر حس تعلق مکانی را پیش‌بینی می‌کند.

استناد: کریمی، نرگس؛ حبیب، فرح؛ و اعتصام، ایرج (۱۴۰۴). بررسی تأثیر مؤلفه زمان بر حس تعلق ساکنین از دو منظر قدمت محیط و طول مدت سکونت؛ مورد پژوهی محلات شهر زنجان. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۵ (۷۷)، ۵۰۵-۴۸۴.

<http://dx.doi.org/10.61186/jgs.25.77.5>



مقدمه

داشتن حس تعلق ساکنان محله‌ها، نسبت به محیط‌زیست خود، یکی از مسائل پایداری شهر است. این حس که عامل مهم در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط می‌باشد که نهایتاً موجب ایجاد محیط‌هایی باکیفیت می‌گردد (عرفانی، ۲۰۲۰: ۹۸). تعلق به مکان که بر پایه حس مکان به وجود می‌آید فراتر از آگاهی از سکونت در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود و در محیط مربوطه، انسان خود را جزئی از آن می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت نقشی برای مردم در ذهن خود متصور می‌سازد و مکان برای او قابل احترام می‌گردد (زلندر و جمین، ۲۰۱۹: ۲۳۴). مکان، به واسطه محدود کردن روابط اجتماعی در قلمروی نسبتاً کوچک و محدود، احیای تعلق به اجتماع را پدید آورده و تقویت می‌کند و بدین ترتیب بر تراکم روابط بی‌واسطه و چهره به چهره می‌افزاید؛ بنابراین مکان به‌عنوان مهم‌ترین عامل در هویت‌یابی به شمار می‌رود (احمدی و مهدوی، ۱۳۹۳: ۸۲۹). یکی از پایه‌های اصلی توجه به پایداری سکونت در برنامه‌ریزی و توسعه شهری این است که ساکنان این مناطق به محل زیست خود تعلق خاطر داشته باشند، احساس دل‌بستگی هر شخص به زادگاه و محل زندگی خود؛ می‌تواند اثرات چشمگیری در جوامع بر جا گذارد که منجر به ایجاد محیط‌های باکیفیت در مناطق روستایی و شهری خواهد گردید (کاسمنتر^۲ و همکاران، ۲۰۱۹: ۳۸). حس تعلق به مکان در درجه نخست به معنای خاص و متمایز بودن ثابت و پایدار ماندن (تداوم داشتن) و به جمع تعلق داشتن است. مکان و فضا مهم‌ترین عواملی هستند که نیازهای هویتی را تأمین می‌کنند به عبارتی روشن‌تر مرزپذیری و قابل تحدید بودن مکان این امکان را فراهم می‌کند که انسان‌ها با احساس متمایز بودن - ثبات داشتن و تعلق به جمع داشتن امنیت و آرامش لازم را برای زندگی کسب کنند. (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۳۰). به‌واقع حس تعلق زمینه‌سازی طراحانه برای اینکه مردم به زدن نشان خویش بر مکان‌هایی که کار و زندگی می‌کنند تشویق شوند و این امر بسیار مهم است که شرایطی فراهم گردد تا استفاده‌کنندگان بتوانند به مکان‌های خود رنگ تعلق بدهند. مکان‌ها دارای مقیاس متفاوتی هستند مکانی که ما احساس تعلق بیشتری به آن داریم ممکن است اتاقمان خانمان اپارتمان-محله-کشور یا شهر. حس تعلق به محیط‌های شهری اگرچه در حیطه بعد اجتماعی و روانی محسوب می‌گردد، لیکن تأثیرات بسیار عمیق و قابل تأملی بر محیط کالبدی و عینی شهرها دارد. تأثیرات عینی و کالبدی به همراه اهمیتی که از جنبه روانی و اجتماعی داراست، موجب شده است که این بعد روانی از شهر، جنبه‌ای شاخص و مهم در مطالعات شهری پیدا کند و تحقیقات بسیاری پیرامون آن انجام گیرد (چایگمن و تانمین، ۲۰۱۹: ۲۳۹). به‌خصوص که توسعه شهرها در طول زمان منجر به تغییرات مؤثر و فراوانی در بافت و ساختار کالبدی و معنایی شهرها گردیده است. گاهی این توسعه چنان با سرعت بالایی اتفاق افتاده است که فرصت تأمل در حفظ هویت و نشانه‌های کالبدی و معنایی شهر را از ساکنین آن گرفته و همراه با تخریب و حذف بسیاری از نشانه‌های هویتی آن شده است (فلاح، ۱۳۸۹: ۴۵). این امر زمینه‌ساز کاهش حس تعلق به مکان و افزایش ناراضی‌تی ساکنین از محیط شهری خود می‌گردد. عدم رضایت شهروندان از محیط زندگی آن‌ها می‌تواند واکنش‌های مختلفی را به دنبال داشته باشد ۱- تلاش برای تغییر محیط به‌منظور ایجاد تناسب بین ویژگی‌های محیطی و نیاز عینی یا ایده آل ذهنی شخص ۲- تلاش برای انطباق با محیط و ۳- کاهش تعلق مکانی و گسست از محیط که نوعی پشت کردن و نه گفتن به شرایط محیط زندگی وی است (قشقای و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۶۵). وجود فضاهای شهری بی‌انگیزه، کسالت‌آور، بی‌کیفیت، غیرانسانی و بی‌معنی که همچنان با لجاجت راه خویش را ادامه می‌دهند از مشخصه‌های شهرهای حاضر است. امروزه، توسعه نامناسب شهری و تضعیف حس مکان و دل‌بستگی به آن، تغییر در احساس و تصور مردم از مکان را سبب شده است. در اغلب موارد، تغییرات در محیط فیزیکی، نوع کاربری و فعالیت‌ها موجب از بین رفتن ارزش‌ها و معنا شده است (سجادزاده، ۱۳۹۵: ۲). از پیامدهای این اتفاق؛ ایجاد محیط‌هایی مصنوعی و تهی از هویت انسانی، کاهش احساس تعلق مکانی، کاهش همبستگی و مشارکت اجتماعی و انگیزه ساکنان برای ادامه سکونت است. به همین خاطر لازم است توجه بیشتری به ارتقای حس تعلق مکانی صورت گیرد

¹ Zlender, V., & Gemin

² Kasemets

³ Chaigasem, T., & Tunming

(روشنی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۰). از این رو در این تحقیق تلاش گردیده است ضمن تحلیل عوامل مؤثر بر احساس تعلق محیط به این پرسش پاسخ داده شود که رابطه میان حس تعلق و مؤلفه زمان چگونه می‌باشد؟ و آیا رابطه‌ای میان مدت زمان سکونت ساکنین در محل و میزان حس تعلق آن‌ها وجود دارد؟ و در نهایت اینکه قدمت محلات چه تأثیری بر میزان حس تعلق مکان می‌تواند داشته باشد؟

مطالعه صورت گرفته در سطح خارجی می‌توان به مطالعات به شرح زیر اشاره کرد:

دارینتو و سانگ (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان تحلیل متاآنالیز رابطه بین حس تعلق مکانی با رفتار طرفدار محیط‌زیست انجام داده‌اند. یافته‌های حاصل از این پژوهش حاکی از تأثیر مثبت حس تعلق مکانی بر رفتار طرفدار محیط‌زیست است به گونه‌ای که این تأثیر در حد متوسط می‌باشد. همچنین میزان این تأثیر در فرهنگ‌های جمع‌گرایانه بیشتر از فردگرایانه است.

خیمنز مدینا^۵ و همکاران (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان بازاریابی مکان، حس تعلق مکانی، توسعه پایدار و بازآفرینی شهری انجام داده‌اند یافته‌های حاصل از این پژوهش گویای تأثیر مثبت بازاریابی مکان و حس تعلق مکانی بر توسعه پایدار و بازآفرینی پایدار است. همچنین نتایج این پژوهش نشان‌دهنده تأثیر بیشتر حس تعلق مکانی بر متغیرهای توسعه پایدار و بازآفرینی شهری است.

لئونگ و فنگ (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان حس تعلق مکان، مشارکت، نگرش و حمایت ساکنان از گردشگری: مطالعه موردی کاخ دامینگ انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که نگرش مثبت ساکنان به گردشگری بر حمایت آن‌ها از توسعه گردشگری تأثیر مثبت دارد اما نگرش منفی بر حمایت آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد. درحالی‌که احساس مکان بر نگرش مثبت و منفی تأثیر می‌گذارد، درگیری فقط بر نگرش مثبت تأثیر می‌گذارد. این یافته‌ها می‌تواند مرجعی برای توسعه پایدار گردشگری فرهنگی و حفاظت از میراث سایت‌های میراث جهانی فرهنگی باشد.

آسدو و همکاران (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان مکان و شهر: عملیاتی کردن حس مکان و سرمایه اجتماعی در بافت شهری انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از تأثیر مثبت حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی است.

همچنین نشان می‌دهد که توجه کمی به ابعاد فضایی حس تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی در سطح شهرها شده است و بدین ترتیب فرصت بهره‌گیری از دانش اجتماعی و مکانی برای بهبود زندگی روزمره در شهر و عملکرد آن ازدست‌رفته است. لویکا (۲۰۱۱) اشاره کرد وی با مطالعه پژوهش‌های پیشین در ۴۰ سال گذشته، تأثیر فضای محصور به‌جای فضای باز را که موجب به وجود آمدن حس درون و بیرون می‌شود، در حس تعلق به مکان مؤثر می‌داند. او همچنین از عواملی نظیر اندازه، محصوریت، تنوع، مقیاس، بومی‌گرایی، استفاده از یک عنصر متمایز (نماد)، دسترسی واحدها به طبیعت، دسترسی به خدمات و ... یاد می‌کند. مطالعات باتل و مارتینسون حاکی از رابطه معکوس اندازه اجتماع و میزان تعلق به مکان ساکنین آن بوده و نشان می‌دهد که این حس در ساکنین روستاها و شهرهای کوچک بیشتر از شهرهای بزرگ به وجود می‌آید

در ایران اسدی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان مدل‌سازی رابطه بین سرزندگی شهری و حس تعلق مکانی در شهر قاین انجام داده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میانگین ۱۷ گویه آن در سطح مناسبی قرار ندارد و ۱۱ گویه آن در سطح قابل‌قبولی هستند. در کل سرزندگی شهری در شهر قاین پایین است. همچنین میانگین متغیر حس تعلق مکانی در سطح متوسطی قرار دارد. با توجه به خروجی مدل‌ها روش K نزدیک‌ترین همسایه نتایج بهتری از مدل جنگل تصادفی داشته است. عملکرد مدل K-NN گویای آن است که این مدل تأثیر سرزندگی بر تعلق مکانی را با ضریب همبستگی ۰/۸۲ و میزان خطای ۰/۶۶ و ریسک برآورد ۰/۴۳ شبیه‌سازی کرده است. بر اساس مدل ایجاد شده توسط الگوریتم جنگل تصادفی متغیر دسترسی بیشترین و خوانایی کمترین تأثیر را در حس تعلق در شهر قاین را دارند.

⁴ Daryanto, Song

⁵ Jiménez-Medina

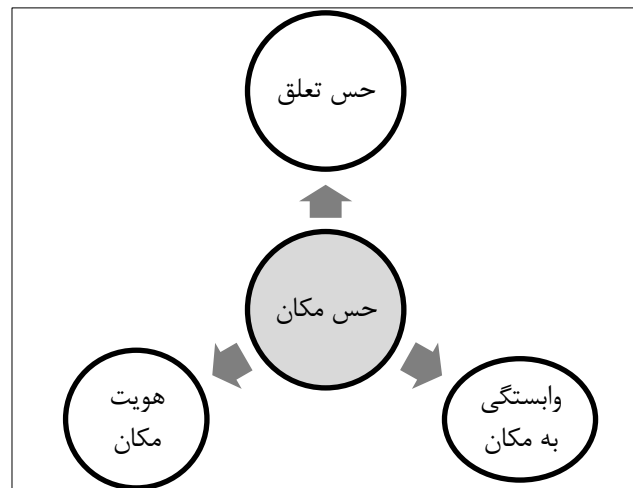
⁶ Acedo

میرلطفی و جهان تیغ (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان بررسی میزان حس تعلق مکانی مهاجران (افغانه) فرامرزی به کشور مقصد (مطالعه موردی: روستاهای مرزی سیستان) انجام داده است. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که با شروع مهاجرت‌های بین‌المللی و گستردگی آن‌ها، همه جوامع بشری به نحوی با چالش مهاجرت مواجه شدند. شواهد نشان می‌دهد مهاجرت‌های فرامرزی در برخی مواقع باعث از بین رفتن یکپارچگی ملی، برهم خوردن ترکیب قومی-ملیتی کشور میزبان، جاسوسی و فعالیت‌های ضد امنیتی، افزایش شورش‌ها و نزاع بین مهاجرین و جمعیت بومی می‌شود. این امر باعث می‌شود تا نظام سکونتگاهی کشور میزبان و به‌ویژه مناطق مهاجرنشین با معضل جدی روبرو گردد. نگاه ریشه‌ای به این موضوع نشان می‌دهد، افرادی که از زادگاه و زادبوم خود کوچانده شده و در مکان دیگری سکنی داده می‌شوند، نمی‌توانند حس مکانی همسانی برای هر دو جا بیابند. لذا همین ناخوشایندی‌هاست که اساس تداوم تنش را در نقاط مختلف جهان به دنبال دارد. محمودی و همکاران (۱۳۹۷) تحلیل مکانی-فضایی عوامل مؤثر بر حس تعلق مکانی (نمونه موردی: روستاهای کردنشین، بخش رحمت‌آباد و بلوکات، شهرستان رودبار) انجام داده است. اهداف اصلی پژوهش حاضر بررسی و مطالعه احساس تعلق به مکان در بین یک گروه قومی مهاجر است که از سال‌ها قبل در منطقه رودبار در استان گیلان ساکن شده‌اند. اینکه قومیت گرد تا چه حد توانسته است به محیط زندگی جدید خود با زمینه‌های فرهنگی متمایز همچون زبان، مذهب، ارزش‌ها و آداب و مناسک و... دلبستگی پیدا کرده و خود را متعلق به آن مکان بداند، یا به‌هر تقدیر محکوم به ماندن در آنجا هستند؛ دغدغه اصلی نویسندگان مقاله است. بدین منظور پژوهش حاضر به دنبال تبیین اثرگذاری عوامل مکانی-فضایی (جغرافیایی) بر ایجاد حس تعلق مکانی در بین روستاهای کردنشین استان گیلان (شهرستان رودبار) می‌باشد؛ و اینکه اصلاً کردنشینان ساکن در روستاهای این شهرستان تمایل به ماندگاری در مکان حاضر دارند و اینکه از موقعیت خود راضی هستند و یا خیر و اینکه چقدر خودشان را وابسته به آن مکان می‌دانند. کربلایی و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر امنیت و نشاط اجتماعی کودکان (مطالعه موردی: منطقه ۲ شهرداری قزوین) انجام داده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی و مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. نتایج تحلیل داده‌ها مدل مفهومی ارائه شده را تأیید می‌کند. همچنین، نتایج پژوهش نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار حس تعلق مکانی بر امنیت اجتماعی و نشاط اجتماعی و تأثیر مثبت و معنادار امنیت اجتماعی بر نشاط اجتماعی در جامعه مورد مطالعه می‌باشد. اقبالی و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان ارزیابی مقایسه‌ای حس تعلق شهروندان به میدان ایالت ارومیه و میدان حسن‌آباد تهران با بررسی هویت مکانی انجام داده است. تحلیل داده‌ها و تفسیر نتایج حاصل از پرسش‌نامه نشان داد که ارتباط معناداری میان هویت مکانی و حس تعلق به مکان وجود دارد. در واقع توجه و تمرکز اصلی تحقیق، ارزیابی مقایسه‌ای حس تعلق شهروندان به دو میدان مورد مطالعه از طریق بررسی هویت مکانی بوده و یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هویت مکانی و حس تعلق به میدان ایالت ارومیه نسبت به میدان حسن‌آباد تهران، بیشتر احساس می‌شود. شیخی و همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان مطالعه تطبیقی حس تعلق مکانی در سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی (مورد مطالعه: شهر جدید پرند و نسیم شهر) انجام داده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که حس تعلق مکانی در اسکان غیررسمی (نسیم شهر) بیش از اسکان رسمی (پرند) است. همچنین سرمایه اجتماعی ساکنان نسیم شهر بیش از ساکنان پرند و سرمایه فرهنگی ساکنین پرند بیش از ساکنین نسیم شهر است. نتایج تحلیل رگرسیون نیز بیانگر این است که حس تعلق مکانی در شهر جدید پرند به ترتیب از سرمایه اجتماعی، نگرش به ویژگی‌های فضایی- کالبدی، سرمایه فرهنگی و حس تعلق مکانی و در نسیم شهر به ترتیب از سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و نگرش به ویژگی‌های فضایی- کالبدی تأثیر می‌پذیرد. در مجموع مطابق نتایج حاصله، سرمایه اجتماعی مهم‌ترین عامل اثرگذار بر حس تعلق مکان در دو شهر پرند و نسیم شهر است. با توجه به پیشینه پژوهش، در این پژوهش تأثیر زمان بر حس تعلق مکانی از دو منظر قدمت محیط و طول مدت سکونت سنجیده شده است که این مورد در پیشینه پژوهش مشاهده نشد و این مورد تبیین‌کننده نوآوری پژوهش حاضر است.

مبانی نظری

حس تعلق

در برخی از مطالعات نخستین به این موضوع اشاره گردیده که حس تعلق، گونه‌ای از حس در «خانه» بودن است. بر این اساس مطالعات بسیاری (فرید و گلیچر ۱۹۷۱، راجرز^۸، ۱۹۷۵؛ بارتون ۲۰۰۲) صورت گرفته که پرسش اساسی این مطالعات از مردم این است که آیا آن‌ها زمانی که در محله هستند احساس در خانه بودن می‌کنند؟ با این وجود دلیل خاصی وجود ندارد که بتوان در خانه بودن و احساس تعلق را یکی دانست اما حس در خانه بودن احتمالاً همان مفهوم حس تعلق را بیان می‌کند (اکتایی^{۱۰}، ۲۰۰۹: ۷). در ابتدایی‌ترین مفهوم می‌توان حس تعلق را عامل پیوند مردم و مکان دانست. در تعاریف دیگری که محققان ارائه کرده‌اند بیان داشته‌اند که حس تعلق پیوند مؤثر و مثبتی میان فرد و مکان است که حاوی بار عاطفی برای شخص می‌باشد (اکتایی، ۲۰۰۹: ۸). آلتمن و لاو تعلق به مکان را پیوندی میان مردم و مکان می‌دانند که شامل عوامل مؤثر متفاوت، ارتباطات اجتماعی و مکان‌ها با مقیاس‌های مختلف است (آلتمن و لاو^{۱۱}، ۱۹۹۲: ۵). این پیوند عاطفی می‌تواند میان یک فرد و محیط‌های معنادار شهری (همچون کوچه، خیابان، محله، شهر و مانند آن) باشد و یا با محیط‌های طبیعی برقرار گردد (مانزو^{۱۲}، گیفورد و اسکانل^{۱۳}، ۲۰۰۵). در یک نگاه کلی باید حس تعلق را یکی از جنبه‌های «حس مکان» دانست. حس مکان آن چیزی است که توسط فرد از محیط شناسایی می‌گردد (بهزاد فر، ۱۳۸۶، ۶۶). حس مکان حسیی است که فرد از قرار گرفتن در یک محیط دارد و به دست می‌آورد و این حس در افراد مختلف از یک مکان واحد، متفاوت است (جان لنگ، ۱۳۸۸، ۱۷۰). حس مکان خود به سه جنبه «هویت مکان»، «وابستگی به مکان» و «تعلق به مکان» تقسیم می‌شود. هویت مکان مجموعه احساساتی است که به واسطه آن یک فرد نسبت به یک مکان معنا و هدفی می‌بخشد. در خصوص وابستگی باید بیان کرد که این جنبه از حس مکان به میزان پاسخگویی محیط در برطرف کردن نیازهای فرد می‌پردازد (یورگنسن^{۱۳}، ۲۰۰۱). شکل (۱) مؤلفه‌های سازنده حس مکان را نشان می‌دهد.



شکل (۱). نمودار مؤلفه‌های حس مکان (منبع: یورگنسن، ۲۰۰۱)

⁷ Fried & Glecher

⁸ Rodgers

⁹ Barton

¹⁰ Oktay

¹¹ Altman & Low

¹² Manzo

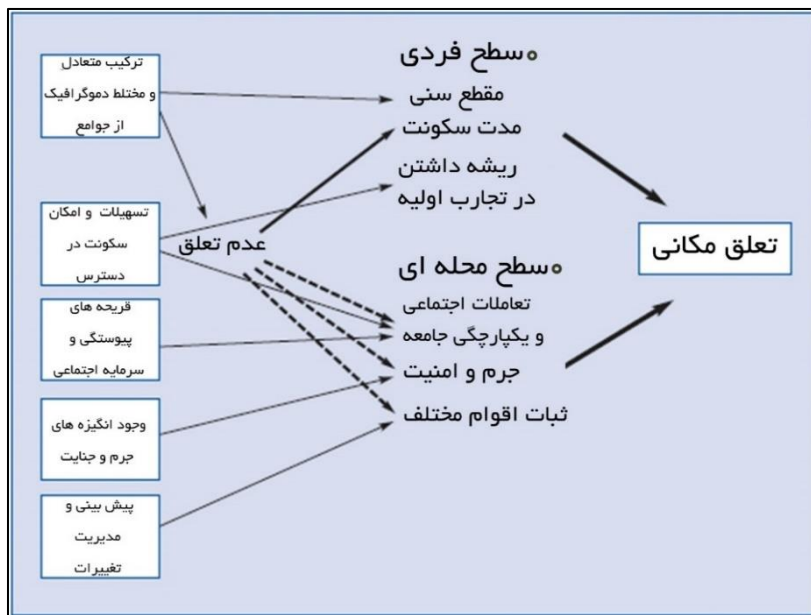
¹³ Jorgensen

یک محیط می‌تواند حاوی خصوصیات متفاوتی باشد که بر میزان احساس تعلق یک فرد به آن مؤثر است. فاکتورهای مؤثر بر احساس تعلق شامل عوامل کالبدی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل فردی، خاطرات و تجارب، رضایتمندی از مکان، عوامل فعالیتی و تعاملی، عامل زمان و مشارکت در طراحی مکان هستند.

مهم‌ترین معنای تعلق به مکان، در تجربه رابطه نمادین فرد، گروه و مکان نهفته است که می‌تواند ضمن فرهنگی بودن از دیگر منابع اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی نیز معنا گرفته و تقویت شود (آلتمن و لو، ۱۹۹۲: ۵۶). نگاه علمی به پدیده پیوند افراد با مکان، مقوله‌ای تازه نیست؛ انواع دیدگاه‌ها در حوزه‌های علمی متفاوت مانند پدیدارشناسی، انسان‌شناسی، روانشناسی محیط، معماری، جامعه‌شناسی، جغرافیا و شهرسازی برای این مفهوم تعاریف متفاوتی را ارائه داده‌اند (هیدالگو و هرناذرز^{۱۴}، ۲۰۰۳: ۲۷۳).

در یک تحقیق ابتدایی پایه بر روی تعلق مکانی در جامعه فشرده که برای بریتانیای کبیر انجام شده، کاساردا و جانویتز (۱۹۷۴) یک مدل خطی از جامعه را مقایسه کرده‌اند که در آن افزایش جمعیت شهری و تراکم از ارزش‌های جامعه کم می‌کند در صورتی که در یک جامعه متراکم، وجود یک سیستم دوستی، الفت و پیوند ضروری است. آن‌ها مدل سیستماتیکی را در عواطف جامعه محلی پیدا کردند (شامل حس دل‌بستگی، تمایل به مسائل محلی و به ماندن یا پیشمانی از رفتن) که به صورت مثبت از میزان جمعیت بیشتر از هر عامل دیگری تأثیر می‌پذیرفت. جیولانی در سال ۲۰۰۳ بیان کرد که مدت سکونت و شدت حس تعلق رابطه مثبتی دارند. وولور در سال ۱۹۹۲ دو مفهوم جامعه را به نام «جامعه با مسئولیت محدود» که در آن همسایه‌ها بیشتر حالت محافظه‌گرایانه دارند و «جامعه طبیعی» که مردم در آن سطح بالایی از رابطه‌ی احساسی را باهم برقرار می‌کنند و یا احساس تعلق زیادی می‌نمایند تبیین نمود. در عوامل انفرادی تعلق، مهم‌ترین خصوصیت‌ها عبارت بودند از تملک منزل، سطح تحصیلات، سن، مدت سکونت (که همگی مثبت بودند). از خصوصیات محلی تراکم و سطح تحصیلات از مهم‌ترین‌ها بودند. تراکم بیشتر سطح تعاملات اجتماعی را کاهش می‌داد و احساس تعلق کم می‌شد؛ سطح تحصیلات بیشتر با سطوح بالاتر احساس تعلق همراه بود. تفاوت در درآمدها و تفاوت‌های نژادی عواملی مهمی در حس تعلق نبودند. این خصوصیات محلی بیشتر در ارتباط با تعامل اجتماعی بررسی شدند و کمتر در مورد حس تعلق به آن‌ها پرداخته شد؛ اما دید و بازدید میان همسایگان (غیررسمی) و شرکت در مجامع محلی (رسمی) عامل مهمی در احساس تعلق محسوب می‌شود که در آن روابط غیررسمی مهم‌تر هستند. وولور نتیجه می‌گیرد که نتایج او از محله‌ای به‌عنوان جامعه طبیعی با حس تعلق بالا حمایت می‌کند که در آن خصوصیات قوی مشارکت اجتماعی، سپس ویژگی‌های انفرادی و نهایتاً جنبه‌هایی از محله که مرتبط به زمینه است می‌باشد. تعلق عاطفی از تعلق کالبدی در تمام سطوح وسیع‌تر است به صورت مثال اشخاص به مردمی که در یک مکان زندگی می‌کنند بیشتر از خود مکان وابسته هستند. با عنایت به خصوصیات شخصی، مطالعات دریافته‌اند که افزایش سن تأثیر مثبتی بر احساس تعلق دارند، کلاس اجتماعی ارتباطی با تعلق ندارد و برای زنان از مردان قوی‌تر است. البته در مورد سن گزارش شده است که معمولاً افراد جوان به شهر وابسته‌اند، میان‌سال‌ها به خانه و افراد پیر تقریباً به تمامی مقیاس‌ها وابسته هستند (لیونگستون، ۲۰۰۸: ۱۲). شکل (۲).

¹⁴ Hidalgo and Hernandez



شکل (۲). عوامل مؤثر بر حس تعلق (منبع: Livingston 2008)

در مطالعات بسیاری پیش از این به موضوع تأثیر قدمت سکونت بر حس تعلق ساکنین پرداخته شده است (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۳، احمدی و همکاران، ۱۳۹۳، حسینی و باقریان، ۱۳۹۳، ۹۰).

در بیشتر مطالعات میان حس تعلق و طول مدت سکونت افراد رابطه مستقیم و معناداری دیده شده است. همچنین عامل قدمت یک محیط نیز به عنوان یکی از عوامل کالبدی مؤثر در حس تعلق است که در این مقاله سعی شده تا نحوه تأثیر آن بر حس تعلق ارزیابی گردد. در تعدادی محدود از مطالعات پیشین (بزی و همکاران، ۱۳۹۳؛ نقدی و همکاران، ۱۳۹۵) عامل قدمت محیط به عنوان یک فاکتور مؤثر در احساس تعلق ساکنین در نظر گرفته شده است. همچنین میزان تأثیر این دو عامل (طول مدت سکونت و قدمت محیط) در حس تعلق ساکنین موضوعی است که پیش از این مورد مطالعه قرار نگرفته است. به صورت کلی مطابق جدول (۱) عوامل مؤثر در ایجاد و یا افزایش حس تعلق را در گروه‌های زیر می‌توان دسته‌بندی کرد.

جدول (۱). عوامل مؤثر بر حس تعلق و نحوه اثر آن‌ها

عوامل مؤثر بر حس تعلق	نحوه تأثیر بر حس تعلق
عوامل کالبدی	زمینه، بستر، وجود خدمات و تسهیلات، موقعیت قرارگیری در زمینه شهری، نحوه ارتباط با پیرامون و سایر مشخصات کالبدی بر میزان حس تعلق ساکنین مؤثر است.
عوامل اجتماعی	میزان مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، ویژگی‌های گروهی و فردی کاربران و میزان تماس و صمیمیت میان ساکنین از عوامل مؤثر بر حس تعلق است.
عوامل فرهنگی	وجود دودمان و خانواده در محیط، مالکیت خانوادگی، آیین‌ها و سنت‌ها، نگاه و تفسیر خاص از عالم و روایت‌های خاص از مکان بر احساس تعلق مردم مؤثر است.
عوامل فردی	ترجیحات فردی در انتخاب مکان ناشی از اختلاف در سن، جنس، درآمد، وضعیت تأهل، تحصیلات، طبقه اجتماعی، باورها و اندیشه‌ها و سایر مشخصات فردی نیز بر حس تعلق یک شخص مؤثر است.
خاطرات و تجارب	گذشت زمان و ریشه‌داری یک شخص در محیط به معنایی ممزوج شدن با مکان و افزایش حس تعلق ساکنین است.

رضایتمندی از مکان	برطرف کردن نیازهای فرد و افزایش میزان رضایتمندی با تسهیلات، تناسب مکان با عملکرد و زمینه، پایداری، مشخصات بصری، ارزش اقتصادی مکان، تجسم ساکنین و ... نیز از جمله عوامل مؤثر بر حس تعلق ساکنین هستند.
عوامل فعالیتی و تعاملی	فعالیت‌ها و تعاملات میان انسان و مکان و میان انسان و انسان نیز در احساس تعلق ساکنین مؤثر است.
عامل زمان	طول مدت حضور در مکان و آشنایی یک فرد با محیط نیز بر احساس تعلق وی مؤثر واقع می‌گردد.
مشارکت در طراحی مکان	حضور افراد در فرآیند خلق به مکان نیز از جمله عواملی است که بر احساس تعلق یک فرد از محیط تأثیر می‌گذارد.

(منبع با تلخیص: دانشپور ۱۳۸۸، ۴۵ تا ۴۲)

از میان عوامل معرفی شده، در این مطالعه به موضوع قدمت سکونت افراد و قدمت محیط پرداخته شده است. در این مطالعه سؤال اصلی این است که عامل زمان به‌عنوان یک بعد از محیط کالبدی که به دو صورت قدمت محله و طول مدت سکونت در احساس تعلق ساکنین اثر می‌گذارد، چگونه تأثیری می‌گذارد و این تأثیر در کدام حالت بیشتر است. باید در نظر داشت که حس تعلق در محیط‌ها با عملکردها و مقیاس‌های مختلف قابل بررسی و مطالعه است. یکی از محیط‌هایی که در سطح یک شهر به مطالعه حس تعلق در آن پرداخته می‌شود «محله» است. یک محله از یک شهر با توجه به ابعاد قابل لمس و سطح روابط اجتماعی و احساسات مشترک میان ساکنین، بستری مناسب برای شکل‌گیری احساس تعلق و مطالعه آن است.

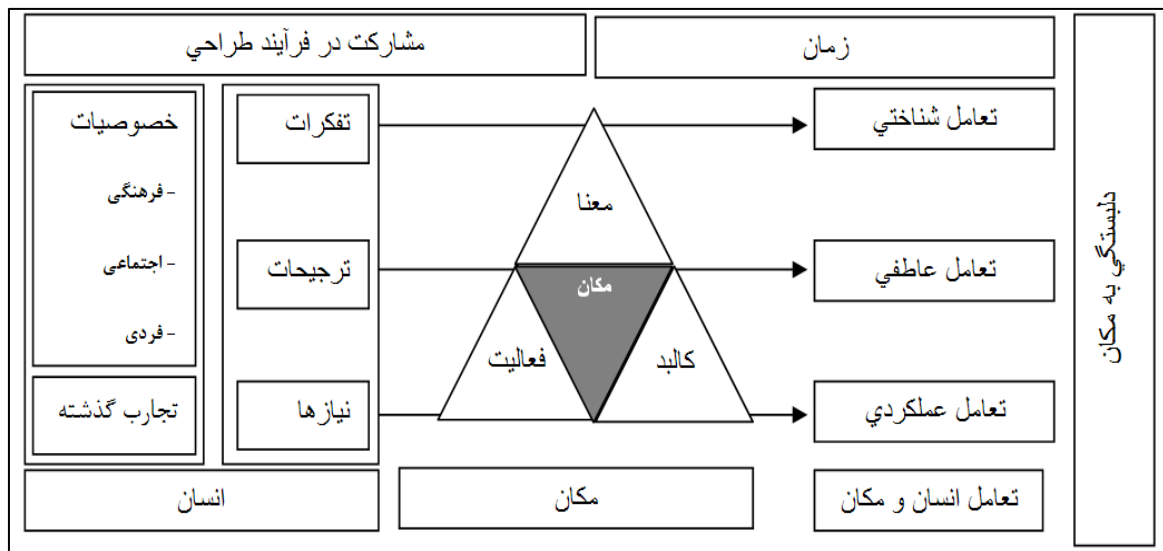
رابطه زمان و حس تعلق

یکی از هدف‌های اصلی معماری تعالی بخشیدن به‌واقع زیستن است؛ بنابراین، معماری باید فضاهایی متمایز برای فعالیت‌های مختلف فراهم آورد و آن‌ها را به نحوی به هم پیوند دهد که محتوای عاطفی آن کنش خاص در حیات آدمی که در آن فضا رخ می‌دهد، تقویت شود. برای رسیدن به تجربه‌ای هماهنگ، باید رابطه فضاها با یکدیگر از طریق ظرف زمان تجربه شود (بیکن، ۱۳۷۶: ۲۱). طبق نظریه راپپورت همواره نظم‌دهی محیط‌زیست در واقع بر نظم دهی چهار عامل: ۱- فضا ۲- مفهوم ۳- ارتباط ۴- زمان تکیه داشته است که در این راستا شهرسازان و طراحان همیشه به کار نظم‌دهی فضا مشغول بوده‌اند.

لینچ نیز عامل زمان را مدنظر قرار می‌دهد و بر ارتباط مکان ایجاد شده در حال، با گذشته‌اش تأکید می‌کند. میزان ادراک فضا به نحوه توزیع عناصر آن بستگی دارد. ویژگی‌های فضا را باید در تراکم، حجم و نوع ارتباطات درونی، نوع آرایش عناصر آن، جهت‌گیری عناصر و مقیاس آن جستجو کرد. وظیفه شهرسازی شکل دادن به فضا و نظام بخشیدن به آن است. فضا تنها با کالبدش تعریف نمی‌شود، بلکه در زمان‌های مختلف با روابط متفاوت معنی و ادراک می‌شود. ورود از حوزه فرهنگ و مطالعه بر رفتارها و ذهنیت‌های انسانی از زمان و آهنگ‌های آن می‌تواند در تغییر استانداردهای زمانی و درک انسان‌ها از آن‌ها کمک زیادی کند (رضازاده، ۱۳۸۱). روشی که می‌توانیم بعد چهارم (زمان) را به شکلی معنادار به فضا وارد کنیم، این است که توجه خود را به فرآیند تکامل و تحول فضا معطوف کنیم. دنبال کردن خط سیر ساخته‌شدن و دگرگون شدن فضا به ما اجازه می‌دهد که چهارمین بعد را به درک فضایی خود بیفزاییم. از یک‌سو، باید فضا را در متن روند سیاسی و اقتصادی تولیدکننده آن، بررسی کنیم. از سوی دیگر با دیدن محیط به‌مثابه برون‌داد و یک مداخله‌گر و مجموعه رفتارهای روزمره که در واقع سازنده روابط اجتماعی‌اند، می‌توانیم درک فضایی خود را وسعت بخشیم تا بعد چهارم را در آن جای دهیم. تجربه زیست در فضا، از مواردی است که زمان در آن نهفته است (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۳۰).

تعلق مکانی تدریجاً طی زمان شکل می‌گیرد، اما می‌تواند به ناگاه دچار گسست شود، شکل‌گیری هویت مکان نیز، خود فرایندی زمان بر است. خاطره عامل تشدید تعلق مکانی است و حتی می‌تواند این تعلق را به تعلق خاطر بدل نماید. انسان

می‌تواند به جایی تعلق داشته باشد بدون آن که آنجا را دوست داشته یا از آن متنفر باشد؛ اما به محض این که خاطرات مطرح می‌شوند، وی به موضع‌گیری احساسی در برابر مکان می‌پردازد. اتفاقاتی که برای انسان در گذشته و زندگی روزمره به صورت عادت پیش می‌آید می‌تواند با گذشتن زمان و فاصله گرفتن از آن در ذهن تبدیل به خاطره شود. خاطرات همیشه در ذهن باقی می‌مانند و فرد نمی‌تواند از آن‌ها دور شود. پس خاطره یک منبع ذهنی خودجوش است، البته با نظامی ضد موزه‌ای. چرا که در آن رویدادها ترتیب و محل مشخصی دارند؛ اما در عین حال خاطره دارای اجزایی است که می‌تواند آن‌ها را به زمان حال گسیل نماید. چنین برداشتی از مفهوم خاطره حضور زمان‌های متکثر و درهم را ممکن می‌سازد و از این رو خاطره محدود به گذشته نمی‌شود (کرننگ^{۱۵}، ۲۰۰۰: ۱۵۰). طول مدت سکونت و عامل زمان سبب ایجاد آشنایی عمیق بین فرد و مکان می‌شود که این موضوع سبب ایجاد احساس عمیق بین فرد و مکان می‌شود. دل‌بستگی به یک مکان معمولاً با گذشت زمان اتفاق می‌افتد و این فرآیند نیازمند گذر زمان است. ریشه‌داری در مکان که به معنای ممزوج شدن و یکی شدن با مکان است همین معنا را می‌دهد. افراد تجاری که در مکان به دست می‌آورند با خاطرات خود در هم می‌آمیزند و بر اساس آن تصویری ذهنی از مکان را در ذهن خود ایجاد می‌نمایند که آن را زمینه‌ی قضاوت‌های آتی خود درباره مکان در آینده قرار می‌دهند؛ بنابراین هر چه مکان تصویر ذهنی مناسب‌تری را در ذهن افراد ایجاد نماید، فرد با آن احساس این‌همانی بیشتر و در نتیجه حس تعلق بالاتری را در خود احساس می‌کند. بر اساس روند شکل‌گیری مذکور دل‌بستگی به مکان از دو عنصر اصلی انسان و مکان که توسط عامل سوم تعامل انسان و مکان به یکدیگر مرتبط می‌شوند، به لحاظ شناختی، عملکردی و عاطفی وارد طی یک فرآیند می‌گردند که در این فرآیند عامل چهارم یا زمان مطرح می‌گردد. از منظر یک طراح این فرآیند عامل پنجمی که مشارکت باشد را نیز در بر دارد که به این مجموعه افزوده می‌شود؛ بنابراین حرکت طراحان به سمت ایجاد تعلق مکانی مستلزم حضور این پنج عامل است که در شکل (۳) آورده شده است. (دانشپور ۱۳۸۸، ۴۵ تا ۴۲).



شکل (۳). مدل تبیین شده از دل‌بستگی به مکان. (منبع: دانشپور ۱۳۸۸)

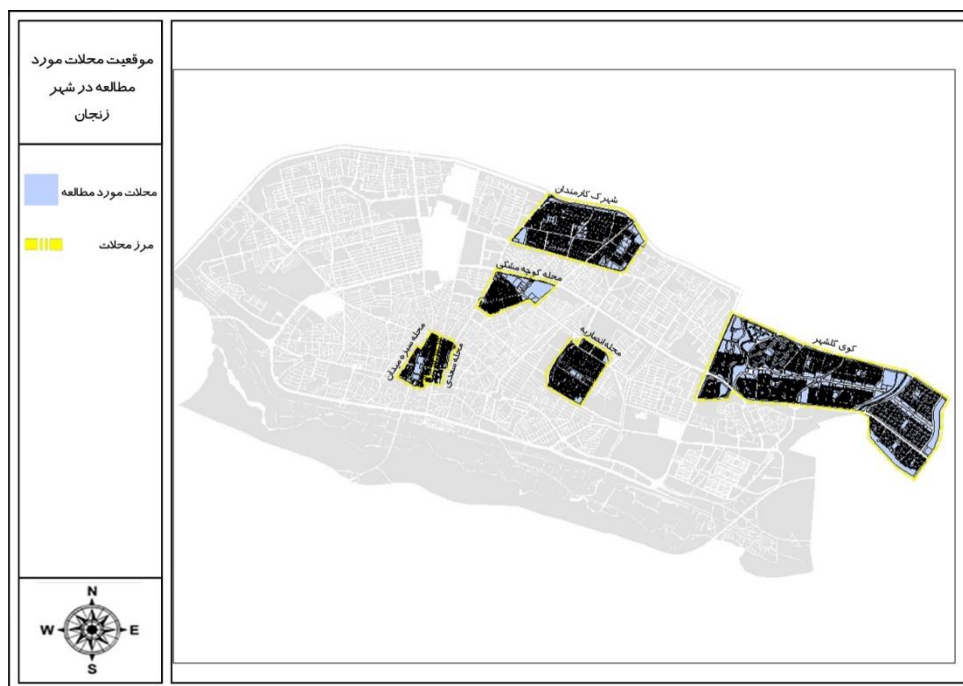
روش تحقیق

محدوده مورد مطالعه

زنجان از شمال به شهرستان طارم و خلخال و میانه و از مشرق به سلطانیه و طارم و از جنوب به خدابنده و ایجرود و از غرب به شهرستان ماه‌نشان محدود است و از سطح دریا ۱۶۶۳ متر ارتفاع دارد. از جمله شرایطی که فلسفه وجودی شهر زنجان را

¹⁵ Crang

در منطقه تبیین و توجیه می‌نماید، وجود راه ارتباطی فلات مرکزی ایران به منطقه آذربایجان شرقی در منطقه، حاکم بودن شرایط مناسب اوضاع توپوگرافی، وجود اراضی مسطح با شیب ۰.۲٪ در منطقه کوهستانی و بالاخره لزوم مرکز مبادلاتی تولیدات کشاورزی و ارائه خدمات متقابل به روستاهای حوزه نفوذ به‌ویژه ایالات پنج‌گانه مستقر در منطقه بوده است می‌رساند که این پدیده در شکل‌گیری شهر و محله بندی آن عامل تعیین‌کننده می‌باشد. در این تحقیق به‌منظور دریافت نحوه تأثیر قدمت محله و طول مدت سکونت در احساس تعلق ساکنین، شش محله از شهر زنجان مورد مطالعه واقع شده‌اند. این محلات شامل سبزه‌میدان، سعدی، کوچه مشکی، انصاریه، کارمندان و گلشهر هستند. این شش محله قدمت‌های متفاوتی دارند و در بافت درونی (تاریخی)، میانی و جدید شهر زنجان واقع شده‌اند. شکل (۴).



شکل (۴). محدوده مورد مطالعه

روش شناسی

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، از روش پیمایشی استفاده شده است. اطلاعات نظری به‌صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و اطلاعات مربوط به محدوده مورد مطالعه با توزیع و تکمیل پرسشنامه با سؤالات بسته و مقیاس لیکرت گردآوری شد. در این تحقیق به‌منظور دریافت نحوه تأثیر قدمت محله و طول مدت سکونت در احساس تعلق ساکنین، شش محله از شهر زنجان مورد مطالعه واقع شده‌اند. این محلات شامل سبزه‌میدان، سعدی، کوچه مشکی، انصاریه، کارمندان و گلشهر هستند. این شش محله قدمت‌های متفاوتی دارند و در بافت درونی (تاریخی)، میانی و جدید شهر زنجان واقع شده‌اند. جامعه آماری پژوهش را افراد بالای ۱۸ سال ساکن در محلات مورد مطالعه بود که حجم جامعه آماری برابر با ۱۸۴۳۲ نفر بود. حجم نمونه ببر اساس فرمول کوکران و بر این اساس که هر محله چند نفر ساکن دارد، در کل در این شش محله تعداد ۳۰۰ پرسشنامه تهیه شده که از این تعداد در محله سبزه‌میدان ۵۰ عدد، محله سعدی ۵۰ عدد، محله کوچه مشکی ۵۰ عدد، محله انصاریه ۵۰ عدد، محله کارمندان ۵۰ و محله گلشهر ۵۰ عدد تهیه شده است. قدمت، نام محلات در جدول (۲) آورده شده است.

جدول (۲). محلات مورد مطالعه، قدمت و محل قرارگیری برای سنجش حس تعلق در آن‌ها

نام محله	قدمت	محل قرارگیری
سبزه میدان	تاریخی	بافت درونی
سعدی	تاریخی	بافت درونی
کوچه مشکی	دهه ۶۰	بافت میانی
انصاریه	دهه ۶۰	بافت میانی
کارمندان	دهه ۸۰	بافت جدید
گلشهر	دهه ۸۰	بافت جدید

ابزار گردآوری داده‌های میدانی پرسشنامه محقق ساخته بود که در غالب ۲۵ گویه طراحی شده بود. پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه آلفای کرونباخ و محاسبه ضریب پایایی ترکیبی (CIT) سنجیده شد، مقدار آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی برای هر متغیر، بین صفر و یک می‌باشد و چنانچه مقدار به‌دست‌آمده بالاتر از ۰/۷ باشد، پرسشنامه پایایی مناسبی دارد. نتایج حاصل از مقدار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی پرسشنامه که در جدول (۳) نشان داده شده است تأییدکننده پایایی مناسب پرسشنامه مورداستفاده می‌باشد.

جدول (۳) تعداد گویه‌ها، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد گویه‌ها	AVE	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
حس تعلق مکانی	۱۸	۰/۸۷۶	۰/۹۸۷	۰/۷۷۶
طول مدت سکونت	۳	۰/۶۰۸	۰/۷۰۹	۰/۸۰۶
قدمت محیط	۴	۰/۷۵۵	۰/۷۴۳	۰/۷۳۴

روایی پرسشنامه نیز در دو مرحله روایی صوری و ظاهری از طریق کسب نظر از اساتید و کارشناسان تأیید و روایی واگرا^{۱۶} با محاسبه شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) تأیید شد. حداقل میزان قابل قبول برای میانگین واریانس استخراج شده ۰/۵ می‌باشد. مقادیر به‌دست‌آمده برای هر متغیر در جدول (۳) قابل مشاهده هستند. روایی واگرا طبق جدول (۴)، مقدار جذر میانگین واریانس استخراج شده تمام متغیرهای مرتبه اول از مقدار همبستگی میان آن‌ها بیشتر است که این امر روایی واگرای مناسب پرسشنامه را نشان می‌دهد.

جدول (۴). ماتریس سنجش روایی واگرا به روش فورنل و لارکر

متغیرها	حس تعلق مکانی	طول مدت سکونت	قدمت محیط
حس تعلق مکانی	۰/۹۳۵		
طول مدت سکونت	۰/۵۶۷	۰/۷۷۹	
قدمت محیط	۰/۷۳۲	۰/۷۰۰	۰/۸۶۸

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت نتایج به‌دست‌آمده در دو قسمت توصیفی و تحلیلی ارائه می‌شود. در بخش نخست یافته‌های توصیفی نمونه آماری پژوهش در جدول (۵) نمایش داده شده است.

¹⁶ Discriminant Validity

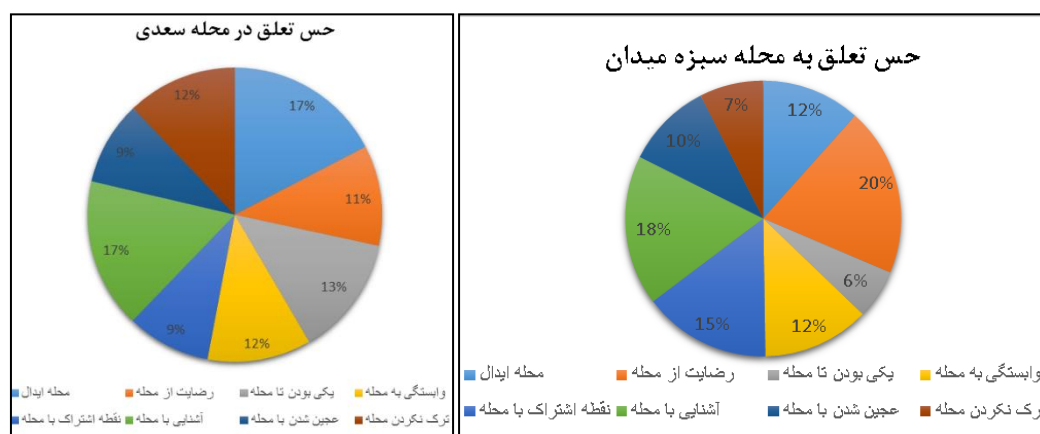
همان‌گونه که در جدول (۵)، قابل‌ملاحظه است از تعداد ۳۰۰ نفر نمونه آماری پژوهش از نظر جنسیت ۲۴۵ نفر مرد و ۵۵ نفر زن، از نظر سن بیشترین تعداد نمونه آماری در گروه سنی ۳۱ الی ۳۵ سال، از نظر تحصیلات بیشترین تعداد دارای تحصیلات لیسانس، از نظر وضعیت تأهل بیشترین تعداد نمونه آماری پژوهش متأهل می‌باشند.

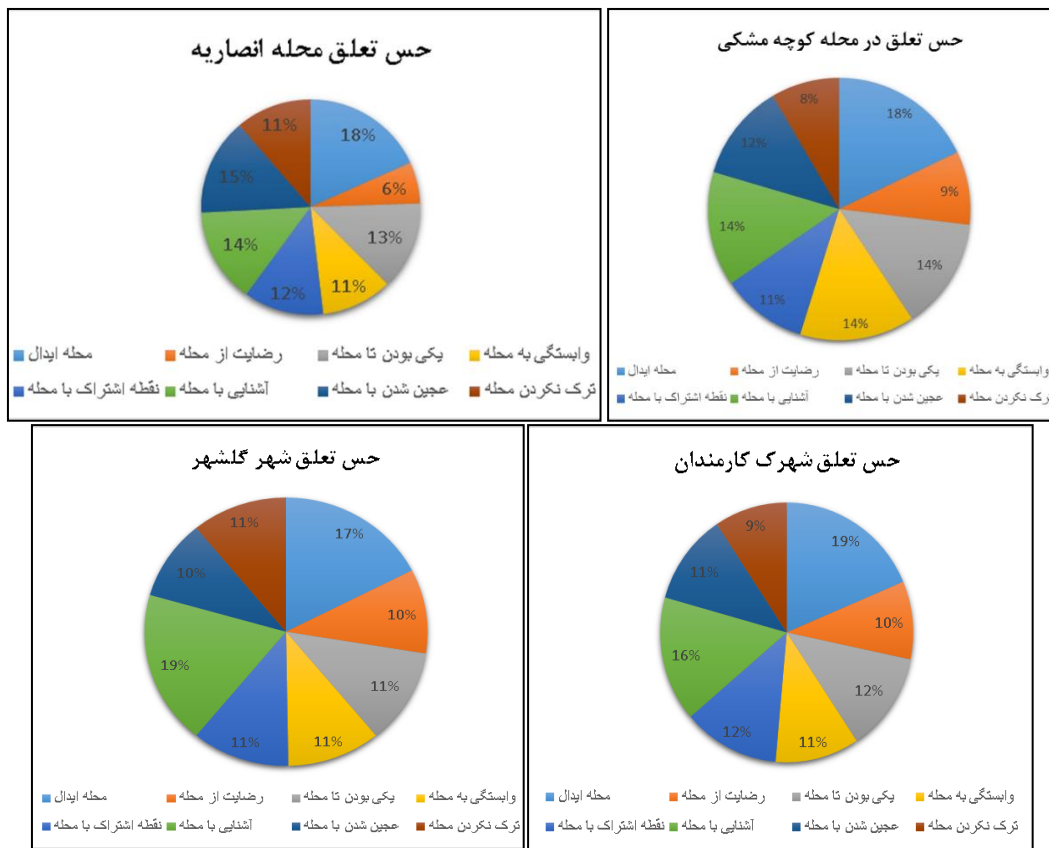
جدول (۵) ویژگی‌های توصیفی نمونه آماری پژوهش

متغیر	نوع متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
جنس	مرد	۲۴۵	۸۱/۶
	زن	۵۵	۱۸/۳
سن	زیر ۲۵ سال	۲۳	۱۱
	۲۶ الی ۳۰ سال	۶۷	۲۲/۳
	۳۱ الی ۳۵ سال	۱۴۳	۴۷/۶
	۳۶ الی ۴۰ سال	۶۷	۲۲/۳
تحصیلات	فوق‌دیپلم	۸۰	۲۶/۶
	لیسانس	۱۴۹	۴۹/۶
	فوق‌لیسانس	۶۷	۲۲/۳
	دکتری	۴	۱/۳
وضعیت تأهل	متأهل	۲۳۰	۷۶/۶
	مجرد	۷۰	۲۳/۳

سنجش حس تعلق ساکنین

در ابتدای امر میزان حس تعلق در هریک از این محلات شش‌گانه شهر زنجان با استفاده از پرسش‌های هدفمند پرسش‌نامه سنجیده شده‌اند. یافته‌های حاصل از این بخش به شرح شکل (۵) ارائه شده است.





شکل (۵). نمودار درصد پاسخ ساکنین به سوالات نشان‌دهنده وجود حس تعلق در محلات شش‌گانه

بررسی وضعیت حس تعلق مکانی در محلات مورد مطالعه

به‌منظور بررسی وضعیت محلات مورد مطالعه از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شد نتایج به شرح جدول (۶) ارائه شده است.

جدول (۶). بررسی وضعیت حس تعلق مکانی

نام محلۀ	میانگین	آماره T	اختلاف میانگین	Sig	فاصله اطمینان پایین‌تر	فاصله اطمینان بالا تر
محلۀ سعدی	۲/۷۸	۴/۳۴	-۰/۲۲	۰/۰۰۰	-۰/۳۲	-۰/۸۹
محلۀ سبزه‌میدان	۲/۵۶	۳/۶۷	-۰/۴۴	۰/۰۰۰	-۰/۴۵	-۰/۸۳
محلۀ کوچه مشکی	۲/۸۹	۲/۵۵	-۰/۱۱	۰/۰۰۰	-۰/۲۱	-۰/۶۷
محلۀ انصاریه	۲/۶۷	۵/۶۹	-۰/۳۳	۰/۰۰۰	-۰/۱۸	-۰/۶۷
محلۀ گلشهر	۳/۲۳	۶/۸۹	۰/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۱۷	۰/۷۰
شهرک کارمندان	۲/۹۰	۸/۲۲	-۰/۱۰	۰/۰۰۶	-۰/۲۹	-۰/۵۵

با توجه به جدول (۶) میانگین به‌دست‌آمده برای محلۀ سعدی برابر با ۲/۷۸ است، به‌گونه‌ای که این میانگین، کمتر از میانگین نظری پژوهش (عدد ۳) و اختلاف میانگین آن برابر با منفی ۰/۲۲ است. با توجه به میزان سطح معناداری به‌دست‌آمده کمتر از ۵ صدم است. اختلاف میانگین موردنظر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. چون مقدار میانگین به‌دست‌آمده کمتر از میانگین نظری پژوهش است، پس می‌توان بیان نمود که وضعیت محلۀ سعدی از نظر حس تعلق مکانی ساکنین از سطح پایینی برخوردار است.

همان‌گونه که جدول (۶) نشان می‌دهد، میانگین به‌دست‌آمده برای محله سبزه‌میدان برابر با ۲/۵۶ است، به‌گونه‌ای که این میانگین، کمتر از میانگین نظری پژوهش (عدد ۳) و اختلاف میانگین آن برابر با منفی ۰/۴۴ است. با توجه به میزان سطح معناداری به‌دست‌آمده کمتر از ۵ صدم است. اختلاف میانگین موردنظر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. چون مقدار میانگین به‌دست‌آمده کمتر از میانگین نظری پژوهش است، پس می‌توان بیان نمود که وضعیت محله سبزه‌میدان از نظر حس تعلق مکانی ساکنین از سطح پایینی برخوردار است.

با توجه به جدول (۶)، میانگین به‌دست‌آمده برای محله کوچه مشکی برابر با ۲/۸۹ است، به‌گونه‌ای که این میانگین، کمتر از میانگین نظری پژوهش (عدد ۳) و اختلاف میانگین آن برابر با منفی ۰/۱۱ است. با توجه به میزان سطح معناداری به‌دست‌آمده کمتر از ۵ صدم است. اختلاف میانگین موردنظر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. چون مقدار میانگین به‌دست‌آمده کمتر از میانگین نظری پژوهش است، پس می‌توان بیان نمود که وضعیت محله کوچه مشکی از نظر حس تعلق مکانی ساکنین از سطح پایینی برخوردار است.

با عنایت به جدول (۶) میانگین به‌دست‌آمده برای محله انصاریه برابر با ۲/۶۷ است، به‌گونه‌ای که این میانگین، کمتر از میانگین نظری پژوهش (عدد ۳) و اختلاف میانگین آن برابر با منفی ۰/۳۳ است. با توجه به میزان سطح معناداری به‌دست‌آمده کمتر از ۵ صدم است. اختلاف میانگین موردنظر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. چون مقدار میانگین به‌دست‌آمده کمتر از میانگین نظری پژوهش است، پس می‌توان بیان نمود که وضعیت محله انصاریه از نظر حس تعلق مکانی ساکنین از سطح پایینی برخوردار است.

همان‌طور که جدول (۶) نشان می‌دهد، میانگین به‌دست‌آمده برای محله انصاریه برابر با ۲/۶۷ است، به‌گونه‌ای که این میانگین، کمتر از میانگین نظری پژوهش (عدد ۳) و اختلاف میانگین آن برابر با منفی ۰/۳۳ است. با توجه به میزان سطح معناداری به‌دست‌آمده کمتر از ۵ صدم است. اختلاف میانگین موردنظر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. چون مقدار میانگین به‌دست‌آمده کمتر از میانگین نظری پژوهش است، پس می‌توان بیان نمود که وضعیت محله انصاریه از نظر حس تعلق مکانی ساکنین از سطح پایینی برخوردار است.

همان‌گونه که در جدول (۶) قابل‌مشاهده است، میانگین به‌دست‌آمده برای محله گلشهر برابر با ۳/۲۳ است، به‌گونه‌ای که این میانگین، بیشتر از میانگین نظری پژوهش (عدد ۳) و اختلاف میانگین آن برابر با مثبت ۰/۲۳ است. با توجه به میزان سطح معناداری به‌دست‌آمده کمتر از ۵ صدم است. اختلاف میانگین موردنظر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. چون مقدار میانگین به‌دست‌آمده بیشتر از میانگین نظری پژوهش است، پس می‌توان بیان نمود که وضعیت محله گلشهر از نظر حس تعلق مکانی ساکنین از سطح متوسط به بالایی برخوردار است.

با عنایت به جدول (۶) میانگین به‌دست‌آمده برای محله شهرک کارمندان برابر با ۲/۹۰ است، به‌گونه‌ای که این میانگین، کمتر از میانگین نظری پژوهش (عدد ۳) و اختلاف میانگین آن برابر با منفی ۰/۱۰ است. با توجه به میزان سطح معناداری به‌دست‌آمده کمتر از ۵ صدم است. اختلاف میانگین موردنظر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. چون مقدار میانگین به‌دست‌آمده کمتر از میانگین نظری پژوهش است، پس می‌توان بیان نمود که وضعیت محله شهرک کارمندان از نظر حس تعلق مکانی ساکنین از سطح پایینی برخوردار است.

بررسی تأثیر طول مدت سکونت بر حس تعلق مکان

به‌منظور بررسی تأثیر طول مدت سکونت بر حس تعلق مکانی از آزمون رگرسیون خطی ساده استفاده شد. جدول (۷).

جدول (۷). رگرسیون خطی ساده تأثیر طول مدت سکونت بر حس تعلق مکان

متغیر ملاک	R	R ²	ضریب تعیین تعدیلی	خطای استاندارد پیش‌بینی شده	آماره f	سطح معنی‌داری
حس تعلق مکان	۰/۴۵۲	۰/۲۰۴	۰/۱۸۲	۰/۱۱۵	۸/۹۹۶	۰/۰۰۵

با عنایت به نتایج مندرج در جدول (۷) مقدار سطح معناداری به دست آمده کمتر از میزان سطح خطا $p < 0/05$ است لذا تأثیر بین متغیرها تأیید می‌شود از این رو می‌توان عنوان نمود طول مدت سکونت بر حس تعلق مکانی تأثیر معناداری دارد. از طرفی با توجه به مقدار ضریب R به دست آمده که برابر با مثبت $0/452$ می‌باشد و مثبت بودن آن در واقع نشان‌دهنده مثبت و هم‌جهت بودن تأثیر طول مدت اقامت بر حس تعلق مکانی است. لذا می‌توان گفت طول مدت اقامت بر حس تعلق مکانی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین با توجه به ضریب تعیین به دست آمده که برابر با $0/204$ می‌باشد می‌توان عنوان نمود که $20/4$ درصد از واریانس متغیر حس تعلق مکانی به وسیله متغیر طول مدت اقامت قابل تبیین است.

بررسی تأثیر طول مدت سکونت بر مؤلفه‌های حس تعلق مکان

به منظور بررسی تأثیر طول مدت سکونت بر مؤلفه‌های حس تعلق مکانی از آزمون رگرسیون خطی ساده استفاده شد جدول (۷).

جدول (۸). رگرسیون خطی ساده تأثیر طول مدت سکونت بر مؤلفه‌های حس تعلق مکان

متغیر ملاک	R	R ²	ضریب تعیین تعدیلی	خطای استاندارد پیش‌بینی شده	آماره f	سطح معنی‌داری
تعلق کالبدی	0/345	0/119	0/117	0/234	5/786	0/001
تعلق فعالیتی	0/298	0/088	0/076	0/356	6/342	0/0005

با عنایت به نتایج مندرج در جدول (۸)، مقدار سطح معناداری به دست آمده کمتر از میزان سطح خطا $p < 0/05$ است لذا تأثیر بین متغیرها تأیید می‌شود از این رو می‌توان عنوان نمود طول مدت سکونت بر حس تعلق کالبدی و فعالیتی تأثیر معناداری دارد. از طرفی با توجه به مقدار ضریب R به دست آمده که برابر با مثبت $0/345$ و $0/298$ می‌باشد و مثبت بودن آن در واقع نشان‌دهنده مثبت و هم‌جهت بودن تأثیر طول مدت اقامت بر مؤلفه‌های حس تعلق مکانی است. لذا می‌توان گفت طول مدت اقامت بر مؤلفه‌های حس تعلق مکانی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

بررسی تأثیر قدمت محیط بر حس تعلق مکان

به منظور بررسی تأثیر قدمت محیط بر حس تعلق مکانی از آزمون رگرسیون خطی ساده استفاده شد.

جدول (۹). رگرسیون خطی ساده برای تأثیر قدمت محیط بر حس تعلق مکان

متغیر ملاک	R	R ²	ضریب تعیین تعدیلی	خطای استاندارد پیش‌بینی شده	آماره f	سطح معنی‌داری
حس تعلق مکان	0/521	0/271	0/267	0/922	9/564	0/001

با عنایت به نتایج مندرج در جدول (۹) مقدار سطح معناداری به دست آمده کمتر از میزان سطح خطا $p < 0/05$ است لذا تأثیر بین متغیرها تأیید می‌شود از این رو می‌توان عنوان نمود قدمت محیط بر حس تعلق مکانی تأثیر معناداری دارد. از طرفی با توجه به مقدار ضریب R به دست آمده که برابر با مثبت $0/521$ می‌باشد و مثبت بودن آن در واقع نشان‌دهنده مثبت و هم‌جهت بودن تأثیر قدمت محیط بر حس تعلق مکانی است. لذا می‌توان گفت قدمت محیط بر حس تعلق مکانی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین با توجه به ضریب تعیین به دست آمده که برابر با $0/271$ می‌باشد می‌توان عنوان نمود که $27/1$ درصد از واریانس متغیر حس تعلق مکانی به وسیله متغیر قدمت محیط قابل تبیین است.

بررسی تأثیر قدمت محیط بر مؤلفه‌های حس تعلق مکان

به منظور بررسی تأثیر قدمت محیط بر مؤلفه‌های حس تعلق مکانی از آزمون رگرسیون خطی ساده استفاده شد

متغیر ملاک	R	R ²	ضریب تعیین تبدیلی	خطای استاندارد پیش‌بینی شده	آماره f	سطح معنی‌داری
تعلق کالبدی	۰/۲۶۷	۰/۰۷۱	۰/۰۶۸	۰/۴۳۲	۳/۲۳۱	۰/۰۰۲
تعلق فعالیتی	۰/۲۱۲	۰/۰۴۴	۰/۰۴۲	۰/۳۲۱	۲/۷۶۸	۰/۰۰۳

با عنایت به نتایج مندرج در جدول (۱۰) مقدار سطح معناداری به‌دست‌آمده کمتر از میزان سطح خطا $p < 0/05$ است لذا تأثیر بین متغیرها تأیید می‌شود از این رو می‌توان عنوان نمود قدمت محیط بر حس تعلق کالبدی و فعالیتی تأثیر معناداری دارد. از طرفی با توجه به مقدار ضریب R به‌دست‌آمده که برابر با مثبت ۰/۲۶۷ و ۰/۲۱۲ می‌باشد و مثبت بودن آن در واقع نشان‌دهنده مثبت و هم‌جهت بودن تأثیر قدمت محیط بر مؤلفه‌های حس تعلق مکانی است. لذا می‌توان گفت قدمت محیط بر مؤلفه‌های حس تعلق مکانی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

نتیجه‌گیری

حس تعلق به مکان، یکی از روش‌های ایجاد و افزایش ارتباط میان فرد با محیط است که باعث می‌شود فرد به آن محیط علاقه‌مند شود و خواستار بازگشت به محیط باشد. در این حالت، فضای برای فرد به مکان تبدیل می‌شود و در ذهن آن باقی می‌ماند. این حس تعامل میان فرد با مکان را افزایش می‌دهد بدین‌صورت که فرد با توجه به سطوح مختلف حس تعلق به مکان و همچنین مؤلفه‌های آن، خود را جزئی از مکان می‌داند. این پژوهش با هدف بررسی نقش و تأثیر مؤلفه زمان بر حس تعلق ساکنین از دو منظر قدمت محیط و طول مدت سکونت؛ انجام شد. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که حس تعلق به مکان در محلات مورد مطالعه به‌غیر از محله گلشهر در وضعیت پایینی قرار دارد. به‌گونه‌ای که از بین محلات مورد مطالعه محله سبزه‌میدان با میانگین ۲/۵۶ دارای کمترین میانگین و محله گلشهر با میانگین ۳/۲۳ دارای بیشترین میانگین است. نتایج این یافته با یافته‌های پژوهش میرلطفی و جهان تیغ (۱۳۹۷)، محمودی و همکاران (۱۳۹۷)، کربلایی و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی دارد. تعاملات ساکنان در محله گلشهر توانسته است که حس تعلق قوی‌تری را القا کند. یافته‌های حاصل از بررسی تأثیر مدت سکونت بر حس تعلق مکان و مؤلفه‌های آن نشان داد که مدت سکونت بر تعلق مکانی تأثیر مثبت و معناداری دارد به‌گونه‌ای که این متغیر ۲۰/۴ درصد از واریانس متغیر حس تعلق مکانی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین بررسی تأثیر طول مدت اقامت بر مؤلفه‌های حس تعلق مکانی نشان داد که طول مدت اقامت بر بعد تعلق کالبدی تأثیر بیشتری دارد. از دیگر نتایج این پژوهش می‌توان به تأثیر قدمت محیط بر حس تعلق مکانی و مؤلفه‌های آن اشاره نمود به‌گونه‌ای که قدمت محیط ۲۷/۱ درصد از واریانس متغیر حس تعلق مکانی را پیش‌بینی می‌کند. با توجه به نتایج حاصل شده در این پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- ایجاد مراکز و فضاهای فراغتی، افزایش مراکز فرهنگی و آموزشی؛
- افزایش کیفیت طراحی، ایجاد تنوع و زیباسازی فضا؛
- استفاده از مختصات معماری اسلامی - ایرانی و بهره‌گیری از فرهنگ بومی در ساخت مسکن در بالا بردن میزان وابستگی و تعلق مکانی ساکنین
- دستیابی به خدمات مورد نظر به‌صورت پیاده برای ساکنین بر اساس نظریه واحدهای همسایگی کلرنس پری.
- ایجاد حس صمیمیت و دوستی در بین همسایگان و هم‌محله‌ای‌ها از طریق تقویت فعالیت‌های که حضور جمعی آن‌ها را می‌طلبد.

- تقویت امر مشارکت در افراد در کارهای جمعی محلی
- ایجاد حس مراقبت از اموال عمومی شهر در بین ساکنین محله
- خلق فضاهای مشارکتی از قبیل ایجاد فرهنگسرا در راستای شکل‌گیری گردهمایی‌ها و جلسات، برگزاری جشن‌ها و مسابقات محله‌ای در فضاهای همگانی توسط مسئولین، در نظر گیری اتاق فکر به‌منظور ایجاد بستری برای گفتگوی مسئولین

و ساکنین و استفاده از ایده‌های مردم، برگزاری جلسات توجیهی در فرهنگسرا و سرای محله برای ساکنین در جهت شرح پروژه‌های بزرگ‌مقیاس در محله.

- تقویت روحیه جمعی اهالی در راستای ایجاد انسجام اجتماعی و بازگرداندن امید به زندگی در سطح منطقه با اختصاص اعتبارات مالی لازم جهت خدمات‌دهی مناسب به ساکنین محلات.

- هنجارهای تمایز شخصیتی، بومی‌گرایی و محصوریت پیوند عمیقی با حس تعلق داشته و عاملی بر ایجاد انسجام کالبدی- فضایی در محلات است؛ بنابراین باززنده‌سازی امکان‌ها می‌تواند در هویت بخشی محلات و ایجاد فضاهای جمعی با نشاط مفید واقع گردد.

- استفاده از مبلمان و المان‌ها و نمادهای خاص با توجه به فضای منطقه (تنوع کالبدی)

- مشارکت دادن ساکنین در فعالیتهای فرهنگی جهت افزایش تعاملات

- استفاده می‌نماید از زمین‌های بایر و خانه‌های متروکه جهت برطرف کردن کمبودهای محله

- اختصاص کاربری‌های تجاری در زمین‌های کم‌ارزش در جهت افزایش ارزش زمین

منابع

احمدی، علی و مهدوی، مسعود. (۱۳۹۳)، رابطه کیفیت زندگی و حس تعلق مکانی در روستاهای درحال توسعه مطالعه موردی: شهرستان زرنديه، پژوهش‌های روستایی، ۵ (۴): ۸۲۷-۸۴۸.

بزی، خدارحم؛ میرزاپور، سلیمان؛ افراسیابی راد، محمدصادق. (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم‌آباد، معماری و شهرسازی پایدار، ۲(۲): ۱۳-۱.

بیکن، ادموند. (۱۳۷۶). طراحی شهرها، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران

پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۶). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، جلد اول، تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.

پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۶). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، جلد دوم، تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.

پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۸). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، جلد سوم، تهران: انتشارات شهیدی.

دانشپور، سید عبدالهادی و سپهری مقدم، منصور و چرخچیان، مریم (۱۳۸۸): «تبیین مدل دل‌بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن»، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۱۳(۳۸): ۳۷-۴۸.

دانشپور، سید عبدالهادی و چرخچیان، مریم (۱۳۸۶) فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، نشریه باغ‌نظر، ۷، ۱۹-۲۸

رضازاده، راضیه (۱۳۸۱) زمان، سرعت و ضرباهنگ زندگی شهر، مدیریت شهری، ۱۲(۹): ۵۴-۶۳.

فلاح، محمدصادق، ۱۳۸۵، حس مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، مجله هنرهای زیبا، ۲۱(۲۶): ۴۸-۶۵.

قشقای، رضا، موحد، خسرو و محمدزاده، حجت‌الله، (۱۳۹۵). ارزیابی حس تعلق به مکان با تأکید بر عوامل کالبدی و محیطی در سواحل شهری (مطالعه موردی: ساحل بوشهر)، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۴(۲): ۲۶۱-۲۸۲.

- لنگ، جان. (۱۳۸۸). آفرینش نظریه معماری، ترجمه علیرضا عینی فر، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مشکینی، ابوالفضل؛ قاسمی، اکرم؛ حمزه‌نژاد، مهدی. (۱۳۹۳). ارزیابی حس تعلق به مکان ساکنان شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد). فضای جغرافیایی، ۱۴(۴۸)، ۴۱-۵۶.
- Acedo, A., Painho, M., & Casteleyn, S. (2017). Place and city: Operationalizing sense of place and social capital in the urban context. *Transactions in GIS*, 21(3), 503-520.
- Anderson, J. R. (1995). *Cognitive Psychology and Its Implications*. New York, Publisher W. H. Freeman and Company.
- Bonaiuto, M., Fornara, F., & Bonnes, M. (2003). Indexes of perceived residential environment quality and neighbourhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome. *Journal Landscape and urban planning*, 65(1), 41-52.
- Carmona, Matthew, Heath Tim, Oc. Taner and tiesdell Steven, (2003), *Public Places urban spaces*, Publisher Architectural press.
- Chaigasem, T., & Tunming, P. A. (2019). Local cuisine tourism approach to authenticity and a sense of place for postmodern gastronomy in I-SAN Thailand. *Afr. J. Hosp. Tour. Leis*, 8, 239-258.
- Daryanto, A., & Song, Z. (2021). A meta-analysis of the relationship between place attachment and pro-environmental behaviour. *Journal of Business Research*, 123, 208-219.
- Erfani, G. (2020). Sense of place as an investigative method for the evaluation of participatory urban redevelopment. *Cities*, 99, 102648.
- Fried, M., & Gleicher, P. (1961). Some sources of residential satisfaction in an urban slum. *Journal of the American Institute of planners*, vol 27, No 4, pp. 305-315.
- Giuliani, M. V., & Feldman, R. (1993). Place attachment in a developmental and cultural context. *Journal of Environmental Psychology*, vol 13, pp.267-274.
- Hidalgo, M. C., & Hernandez, B. (2001). Place attachment: Conceptual and empirical questions. *Journal of environmental psychology*, vol 21, No. 3, pp. 273-281.
- Jiménez-Medina, P., Artal-Tur, A., & Sánchez-Casado, N. (2021). Tourism Business, Place Identity, Sustainable Development, and Urban Resilience: A Focus on the Sociocultural Dimension. *International Regional Science Review*, 44(1), 170-199.
- Jorgensen, B. S., & Stedman, R. C. (2001). Sense of place as an attitude: Lakeshore owners attitudes toward their properties. *Journal of Environmental Psychology*, vol 21, pp. 233-248
- Kasarda, J. D., & Janowitz, M. (1974). Community attachment in mass society. *Journal American sociological review*, pp. 328-339.
- Kasemets, K., Rammo, A., & Palang, H. (2019). Turning a landscape into a suburban community and the realization of a sense of place. *Cities*, 88, 37-47.
- Livingston, M., Bailey, N., & Kearns, A. (2008). *People is Attachment to Place –the Influence of Neighborhood Deprivation Glasgow: Joseph Rowntree Foundation*.
- Low, S. M., & Altman, I. (1992). *Place attachment In Place attachment*, Publisher Springer US. (pp. 1-12).
- Lynch, K. (1960). *The Image of the City*. Cambridge, Mass. Publisher MIT Press.
- Manzo, L. C. (2003). Beyond house and haven: toward a revisioning of emotional relationships with places. *Journal of Environmental Psychology*, vol 23, pp. 47-61.
- Manzo, L. C. (2005). For better or worse: Exploring multiple dimensions of place meaning. *Journal of Environmental Psychology*, 25, 67-86.
- Neisser, Ulrich. (1977). *Cognition and Reality*. San Francisco, Publisher freeman,
- Ng, S. L., & Feng, X. (2020). Residents' sense of place, involvement, attitude, and support for tourism: a case study of Daming Palace, a Cultural World Heritage Site. *Asian Geographer*, 1-19.
- Oktay, D., Rüstemli, A., & Marans, R. W. (2009). Neighborhood satisfaction, sense of community, and attachment: Initial findings from Famagusta quality of urban life study. *ITU A/Z Journal*, vol 6, No 1, pp. 6-20.
- Ryan, R. L. (2005). Exploring the effects of environmental experience on attachment to urban natural areas. *Journal Environment and behavior*, Vol 37, No 1, pp. 3-42.
- Tolman, E.C. (1948). *Cognitive Maps in Rats and Men*. *Psychological Review*, Vol. 55, No. 4, pp.54-80

- Ujang, N. (2012). Place attachment and continuity of urban place identity. *Journal Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Vol 49, pp.156-167.
- Ujang, N. (2017). Place Attachment and Continuity of Urban Place Identity. *Asian Journal of Environment-Behaviour Studies*, Vol 2, No 2, pp. 117-132.
- Žlender, V., & Gemin, S. (2020). Testing urban dwellers' sense of place towards leisure and recreational peri-urban green open spaces in two European cities. *Cities*, 98, 102579.